

حقیقت بداء؟

(آیا تغییر سرنوشت امکان پذیر است؟)

اشاره: مقاله‌ی حاضر، به صورتی مفید و خالی از حشو و زواید بحث مهم «بداء» را مطرح و اطلاعات سودمندی را ارائه کرده است. صرف نظر از جذابیت ذاتی موضوع، به سبب ارتباطی که این مقاله با مبحث قضا و قدر، مطرح شده در «دین و زندگی» پیش دانشگاهی دارد، مطالعه‌ی آن را به دبیران گرامی توصیه می‌کنیم.

چکیده

یکی از عالی‌ترین معارف الهی که آیات قرآنی و روایات بر آن تأکید می‌کنند، مسئله‌ی تغییر سرنوشت است و این که بشر قادر است، با اختیار و انتخاب خود و انجام پاره‌ای از اعمال، سرنوشت خویش را دگرگون سازد و آینده‌اش را خودش رقم بزند. این موضوع که از امتیازات شیمه محسوب می‌شود، «بداء» نامیده می‌شود. بداء به این معناست که کرده‌های انسان در مقدرات او اثر می‌گذارند و آن چه را قلم تقدیر برای او مقدر کرده است، دگرگون می‌کنند. اعمال و افعال خیر می‌توانند مقدرات بد را تغییر دهند، هم چنان که اعمال شر، مقدرات نیک را عوض می‌کنند. بداء، هم با توجه به دلایل نقلی از کتاب و سنت قابل اثبات است و هم با دلایل عقلی. البته شبهاتی نیز در این راستا عنوان شده‌اند که این مقاله به چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها پاسخ می‌گوید.

تعریف مسئله و اهمیت آن

بداء به معنای علم به صلاح‌دید چیزی پس از صلاح ندانستن آن است و به تعبیری دیگر می‌توان گفت، بداء به این معناست که اعمال و کرده‌های انسان در مقدرات او اثر می‌گذارند و آن‌چه را قلم تقدیر برای او معین نموده است، دگرگون می‌سازند. آیات متعددی در قرآن مجید بر این موضوع تأکید دارند که اعمال خیر می‌توانند، مقدرات بد را دگرگون سازند؛ هم‌چنان‌که اعمال بد و شر، مقدرات نیک را عوض می‌کنند.

چون بداء مانند دو اصل دیگر «رجعت» و «تقیه»، از اختصاصات مذهب شیعی شناخته شده است، و برخی از حکمای اهل سنت، شیعه را به دلیل اعتقاد به این اصول مورد طعن و سرزنش قرار داده‌اند، ضروری است جایگاه بداء در کتاب و سنت مشخص و از نظر نقلی ثابت شود. هم‌چنین، با استدلال‌ات عقلی به اثبات رسیده، شبهاتی که در این زمینه مطرح شده‌اند رفع و جواب داده شود و مقاله‌ی حاضر سعی در انجام همین مهم دارد.

معنای بداء و نظر بزرگان

واژه‌ی بداء دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است: «ظهور بعد از خفا» و «پیدایش رأیی تازه». اما استعمال این معانی بر خداوند متعال جایز نیست، مگر در صورتی که معنای «ظهور بعد از خفا» را در نظر بگیریم و مرادمان این باشد که خداوند متعال، امری را که برای مردم مخفی بوده، آشکار و ظاهر کرده است. چون بداء از لحاظ لغوی مستلزم تغییر در اراده و مشیت خداوند متعال است و وجود تغییر به هر نوع و شکل در ذات احدیت، محال است. از یک طرف، با توجه به کتب کلامی شیعه، اعتقاد به بداء به معنای لغوی آن کفر محسوب می‌شود [کشف‌الاسرار: ۸۴؛ حور مقصورات: ۲۸-۲۹]، و از طرف دیگر، آیات و احادیث بسیاری بر موضوع بداء تأکید دارند. لذا لازم است، این معنا تأویل و به گونه‌ای صحیح بیان شود.

شیخ صدوقی معنای لغوی بداء را بر خداوند رد کرده است و

می‌گوید: «ولیکن چون در لوح محو و اثبات تغییر و تبدیل در امور به هم می‌رسد، این تغییر را بداء می‌گویند و بر خداوند روا باشد؛ چه این تغییر در حقیقت بداء نیست، بلکه بداء نماست.»

شیخ مفید معتقد است: اصل در بداء همان ظهور است. معنای واضح و روشن بداء همان ظاهر شدن است. یعنی گاهی خداوند متعال امری را آشکار می‌کند که ذهن بشر از درک و فهم آن قاصر است و از این ظهور منظور و هدفی دارد، همچون امتحان بندگانش و البته آن امر برای ما مخفی بوده است و اکنون آشکار شده، نه برای خدا؛ زیرا او عالم‌الغیب و الشهاده است و هیچ چیز از او مخفی نیست [تصحیح الاعتقاد: ۵۰].

آیت‌الله خوئی نیز می‌گوید: «بدائی که شیعه بدان معتقد است، به معنای اظهار می‌باشد؛ یعنی آن‌چه برای بشر مجهول و ناروشن بود، خداوند آن را اظهار نمود و آشکار ساخت» [بیان، ج ۲: ۱۸۰].

حکیم میرداماد و آیت‌اله خوئی معتقدند، بداء همان نسخ است با این تفاوت که نسخ قلمروی تشریح و قانون‌گذاری است، ولی بداء در افق تکوین و آفرینش، یعنی نسخی را که در تکوین به وقوع بپیوندد بداء می‌گویند و اگر در احکام و قوانین قرآن واقع شود، نسخ نامیده می‌شود

مقایسه‌ی بداء با نسخ

همان‌گونه که بداء دارای دو معنی است که یکی از آن‌ها بر خداوند روا نیست، برای نسخ هم دو معنا وجود دارد که یکی از آن‌ها بر خداوند روا نیست. زیرا یکی از معانی نسخ، نقض در تشریح یا پیدایش رأی جدید است و این مستلزم جهل خداوند است. اما خداوند متعال مبرا از جهل است و در زمان تشریح

این آیات با صراحت می‌فرمایند که دو نوع کتاب وجود دارد: کتاب محفوظ یا ام‌الکتاب که رویدادهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی نمی‌شود، و کتاب محو و اثبات که گاهی بعضی از وقایع از آن محو و وقایعی دیگر جایگزین می‌شود. آنچه مورد بدهاء قرار می‌گیرد، همین کتاب محو و اثبات است

احکام، به کلیه‌ی آن‌ها آگاه بوده است. معنای دیگر نسخ، صرفاً نسخ ظاهری است و البته این معنا بر خدا رواست. زیرا خداوند از هنگام قانون‌گذاری می‌دانسته است که حکم را موقت وضع می‌کند، ولی بنا به مصالحی زمان انقضای آن را مخفی نگه داشته است تا در موعد مقرر به مردم اعلام کند که زمان این حکم و قانون به سر رسیده است.

حکیم میرداماد و آیت‌اله خوئی معتقدند، بدهاء همان نسخ است با این تفاوت که نسخ در قلمروی تشریح و قانون‌گذاری است، ولی بدهاء در افق تکوین و آفرینش. یعنی نسخی را که در تکوین به وقوع پیوندد بدهاء می‌گویند و اگر در احکام و قوانین قرآن واقع شود، نسخ نامیده می‌شود [نبراس الضیاء: ۵۵؛ بیان، ج ۲: ۱۶۷].

بدهاء در کتاب و سنت

آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارند که بر موضوع بدهاء تأکید می‌کنند؛ از جمله آیات ۳۸ و ۳۹ سوره‌ی مبارکه‌ی رعد که می‌فرماید: «... لکل اجل کتاب یمحو الله ما یشاء و یشاء عنده ام‌الکتاب»: «... خدا هرچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه را بخواهد اثبات می‌نماید و پیش اوست ام‌الکتاب».

این آیات با صراحت می‌فرمایند که دو نوع کتاب وجود دارد: کتاب محفوظ یا ام‌الکتاب که رویدادهای آن دستخوش تغییر و دگرگونی نمی‌شود، و کتاب محو و اثبات که گاهی بعضی از

وقایع از آن محو و وقایعی دیگر جایگزین می‌شود. آنچه مورد بدهاء قرار می‌گیرد، همین کتاب محو و اثبات است.^۱ از دیگر آیات می‌توان از آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ سوره‌ی شریفه‌ی صافات نام برد که اشاره به ذبح اسماعیل دارد و جایگزین کردن فدیة توسط خداوند به جای او. علمای شیعه معتقدند، این آیات از جمله آیات مؤید بدهاء هستند. ولی زمخشری، مفسر اهل سنت، جایگزینی فدیة به جای اسماعیل را از نوع نسخ می‌داند.^۲

هم چنین می‌توان به آیات ۲ سوره‌ی انعام، ۶۴ سوره‌ی مائده، ۹۸ سوره‌ی یونس، ۱۱ سوره‌ی رعد و ۱۴۲ سوره‌ی اعراف اشاره کرد که همه در رابطه با بدهاء هستند و آن را به عنوان اصلی مسلم و قطعی تأیید می‌کنند.^۳

علاوه بر آیات بیانگر بدهاء، روایات زیادی در کتاب‌های حدیثی وجود دارند که دلایل نقلی دیگری در تأیید بدهاء هستند. در کتاب «اصول کافی»، به ۱۶ حدیث در این زمینه برمی‌خوریم. علامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار»، ۷۰ حدیث موضوع بدهاء آورده است که به چند مورد از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:^۴

- یکی از دو امام باقر یا صادق (علیهما السلام) فرموده‌اند: خداوند به چیزی مانند بدهاء پرستش نشده است.
- امام صادق (ع) می‌فرمایند: خدا به چیزی چون بدهاء بزرگ شمرده نشده است.
- امیرالمؤمنین (ع) فرمود: اگر آیه‌ای در کتاب خدا نبود، شما را خبر می‌دادم از آن چه بوده و خواهد بود و خداوند تا روز قیامت انجام می‌دهد و آن آیه «یمحو الله...» می‌باشد.
- از امام رضا (ع) منقول است که فرمود: خدا هرگز پیغمبری را مبعوث نکرد، مگر با حکم حرمت می‌و با اقرار به بدهاء برای خدا.

این احادیث و ده‌ها حدیث دیگر، حاکی از آن‌اند که بدهاء یکی از اصول لاینفک تفکر شیعی است. به علاوه، در کتاب‌های اهل سنت نیز احادیثی وجود دارند که تأییدکننده‌ی اسباب و لوازم بدهاء محسوب می‌شوند. از جمله در «صحیح مسلم»، بابی تحت عنوان «ترغیب دعا در پایان شب و اجابت

در آن»، و در حواشی «مسند احمد» (منتخب کنز العمال)، بایی تحت عنوان «اجابت دعای پیامبر (ص)» وجود دارد. این موارد و مواردی دیگر از این نوع، بیانگر آن است که علمای اهل سنت با وجودی که به لحاظ اسمی مخالف بداء هستند، ولی در معنا و مفهوم آن را قبول دارند. چون اجابت دعا زمانی معنا می دهد که سرنوشت انسان ها حتمی و مبرم نباشد. اگر حتمی باشد، با اعمالی چون دعا، صدقه، صله رحم، و احسان و نیکی قابل تغییر نیست.^۵

اثبات بداء

اثبات بداء منوط به شناخت دو چیز است:

۱. لوح محفوظ و لوح محو و اثبات (لوح حافظ) و تفاوت بین این دو.
۲. قضای حتمی و غیر حتمی.

لوح محفوظ و لوح محو و اثبات

با توجه به آیه شریفه «یمحو الله ما یشاء و یشاء...»، دو لوح وجود دارد: یکی لوح محفوظ یا «ام الكتاب» که از تغییر و تبدیل محفوظ و مصون است و مقدراتی که در آن نوشته شده است، دستخوش بداء نمی شود. دیگری لوح محو و اثبات که مقدرات آن به صورت ناقص یا معلق و مشروط نوشته شده و قابل تغییر و دگرگونی است و مورد بداء قرار می گیرد.^۶

از امام صادق (ع) در مورد آیه بالا (آیه ۳۹ سوره ی رعد) سؤال شد. امام فرمود: در این مورد دو کتاب وجود دارد: کتابی که نوشته های آن قابل تغییر و محو و اثبات است. خداوند آن چه را بخواهد، از آن کتاب می زداید و آن چه را که بخواهد، تثبیت می کند. برطرف شدن قضا و سرنوشت به وسیله دعا، از مقوله ی گزارشات همان کتاب است. ولی اگر این قضا و سرنوشت از کتاب اول بگذرد و در کتاب دیگری به نام کتاب محفوظ یا ام الكتاب ضبط و ثبت گردد، قابل تغییر نیست [بیان، ج ۲: ۱۷۶].

قضای حتمی و غیر حتمی

قضای حتمی یا مبرم از امور انحصاری و اختصاصی

خداوند است و تنها ذات مقدس حق از آن آگاهی دارد. وقوع آن حتمی است و هرگز مورد بداء قرار نمی گیرد. ولی قضای غیر حتمی، آن نوع قضایی است که خداوند وقوع امری یا عدم آن را تقدیر کرده و چگونگی آن را به فرشتگان و پیامبران خبر داده، اما تحقق آن را به مشیت خود مشروط ساخته است. این قسم از قضا مورد بداء واقع می شود.^۷

در واقع، آن چه در لوح محفوظ است، همان قضای حتمی است و آن چه در لوح محو و اثبات است، قضای غیر حتمی است. بنابر نظر ملا صدرا در «اسفار»، لوح محو و اثبات همان قلوب فرشتگان عالم امر است که جایز است، نقوش آن ها زایل شود و نقش های جدید بپذیرد. زمانی که نفس نبی یا ولی با این فرشتگان ارتباط برقرار می کند، هم از نقوش اولیه منطبق در نفوس آن ها آگاه می شود، و هم از نقش های بعدی که بر اثر تغییر و تحول حاصل شده است.

بنابراین، طبق براهین عقلی، بداء امری است ممکن و در مورد آن هیچ امتناعی وجود ندارد.^۸

وقوع بداء در امور غیر حتمی
است و امور حتمی و مبرم، محل بداء قرار نمی گیرند. به عبارت دیگر، آن چه در لوح محفوظ یا ام الكتاب مضبوط است، مورد بداء نیست و تنها اموری که در لوح محو و اثبات ضبط شده اند، مورد بداء واقع می شوند

بررسی بعضی شبهات فلسفی و کلامی بداء و پاسخ به آن ها بداء یکی از موضوعات بحث برانگیز در مذهب شیعه است و نه تنها علمای اهل سنت، شیعه را به خاطر این موضوع آماج حملات خود قرار داده اند، بلکه در میان خود شیعیان نیز، شبهات و اشکالاتی در این زمینه مطرح شده است و دانشمندان

شیعی به آن‌ها پاسخ داده‌اند. اشکالات در این زمینه متعدّدند و در این جا به ذکر چند اشکال، و بررسی و پاسخ به آن‌ها اکتفا می‌شود.^۹

الف) گاهی پیامبر یا امام خبری می‌دهند که در آن‌ها بداء رخ می‌دهد و در خارج متحقق نمی‌شوند. پس این اخبار چه فایده‌ای دارند؟

جواب: زمانی که پیامبر یا امام (علیهم‌السلام) خبری را می‌دهند و در آن بداء حاصل می‌شود، غرض ایشان از دادن چنین خبری آن است که مردم را متوجه کنند، اعمالشان می‌تواند آینده‌شان را تغییر دهد. مثلاً وقتی پیامبر اکرم (ص) خبر از مرگ یهودی خارکن دادند و او نمرد، از وی سؤال کردند: چه کرده‌ای؟ یهودی در پاسخ گفت: صدقه داده‌ام. و حضرت به این وسیله مردم را متذکر کردند که افعالشان در سرنوشتشان تأثیرگذار است.

اخبار نبی و وصی از این امر به خاطر آن است که بیان کنند، عدم وقوع این رویداد به دلیل اعمال نیکویی چون صدقه و مانند آن بوده است و این که اعمال نیکو موجب نجات و عدم عذاب شخص شده‌اند. این موجب می‌شود که مؤمنین در هر عمل و

در نتیجه، بداء در مورد خداوند به معنای آشکار ساختن اموری است که قبل از آن آشکار نبوده‌اند و این مستلزم تغییر در علم ازلی خداوند نیست، بلکه آشکار ساختن چیزهایی است که بر مردم مخفی بوده‌اند

کاری امیدوار باشند که ممکن است تغییر کند [البداء فی ضوء الكتاب و السنه: ۹۹].

ب) آن‌چه انسان با دعا از خداوند می‌خواهد، اگر در قضای

الهی برای او مقدر شده است، پس دعا برای چیست؟ و اگر مقدر نشده، پس دعا بی‌فایده است. زیرا علم الهی بر عدم تحقق آن مطلوب رقم خورده است.

جواب: یکی از فواید بداء، تأثیر دعا و درخواست و دگرگونی امور مقدر شده به وسیله‌ی دعاست. خواست و مشیت الهی است که بعضی از امور با تحقق شرایطی، محقق شوند و دعا یکی از آن شرایط است.

ملاصدرا در جواب به این سؤال می‌گوید: «طلب و دعا نیز چیزی است که قلم قضا بدان جاری شده و لوح قدر بدان نقش پذیر گشته است. از آن حیث که این دو از علت‌ها و شرایط حصول مطلوب مقضی مقدرند، هرگاه حصول امری از امور را قضا و قدر فرموده، حصول اسباب و شرایطش در پرتو قضای الهی مقدر شده است و اگر نرفته، حصول آن را هم قضای الهی مقدر نمی‌فرماید. زیرا وقتی خداوند چیزی را اراده فرموده، اسبابش را آماده می‌سازد. و از جمله اسباب حصول شیء درخواست شده، دعای دعاکننده و زاری و فروتنی اوست» [اسفار، سفر سوم، ج ۱: ۳۵۱].

ج. در صورت محقق بودن (حقیقت داشتن) بداء، لازم می‌آید خداوند جاهل به احکام و امور باشد و این برای خدا قبیح است.

جواب: همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، بداء به معنای لغوی آن که مستلزم جهل است، از خداوند متعال نفی شده است و جمهور علمای شیعه نسبت دادن بداء به معنای ندامت و یا بازگشت از رأی اول را به خداوند ناروا دانسته‌اند. از طرف دیگر، علم خداوند دارای مراتبی است که مرتبه‌ی ذاتی آن از تغییر و تحول مبراست و همه چیز نزد او به ذاتش حاضر است. علم فعلی خداوند مورد تغییر و تجدد واقع می‌شود که آن عبارت است از لوح محو و اثبات و قلوب ملائکه و انبیا که امور به تدریج در آن‌ها نقش می‌بندد و گاهی امری به دلیل شرایطی خاص در آن‌ها ثبت می‌شود. ولی بعداً به دلیل تغییر شرایط و مقتضیات نقش آن امر از بین می‌رود و به امر و رویداد دیگری مبدل می‌شود. بنابراین منظور از رخ دادن بداء، در علم فعلی

بنابر نظر ملاصدرا در «اسفار»، لوح محو و اثبات همان قلوب فرشتگان عالم امر است که جایز است، نقوش آن‌ها زایل شود و نقوش‌های جدید بپذیرد. زمانی که نفس نبی یا ولی با این فرشتگان ارتباط برقرار می‌کند، هم از نقوش اولیه منطبع در نفوس آن‌ها آگاه می‌شود، و هم از نقوش‌های بعدی که بر اثر تغییر و تحول حاصل شده است.

گیرد» [نقدالمحصل: ۴۲۱].

بنابراین تغییر و تبدیل سرنوشت تنها از نظر شیعه امکان‌پذیر است و این ثابت می‌کند که قوای معنوی عالم هستی می‌توانند، قوای مادی را تحت تأثیر قرار دهند.

بداء در چه اموری واقع می‌شود

وقوع بداء در امور غیر حتمی است و امور حتمی و مبرم، محل بداء قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، آن‌چه در لوح محفوظ یا ام‌الکتاب مضبوط است، مورد بداء نیست و تنها اموری که در لوح محو و اثبات ضبط شده‌اند، مورد بداء واقع می‌شوند.

واجب است اعتقاد داشته باشیم که قلم خداوند در لوح محو و اثبات خشک نشده است، پس هرچه را بخواهد محو و آن‌چه را بخواهد اثبات می‌کند و هر که را بخواهد سعادت‌مند و هر که را بخواهد شقی می‌کند؛ بر حسب آن‌چه بنده از مکارم اخلاق و اعمال نیکو کسب کرده و یا از اعمال زشت حاصل نموده است [البداء فی ضوء الکتاب و السنه: ۴۶]. تنها در مقام قدریات و امور واقع در امتداد زمان که مرحله‌ی تجدد، تغییر، سبب، لحوق، تدریج، تعاقب و نسبت به کائنات واقع در زمان و امور هیولایی است، بداء تحقق دارد [بیان، ج ۲: ۱۷۰].

بنابراین می‌توان گفت، بداء در امور امتحانی-اموری که

خداوند است نه علم ذاتی.

در نتیجه، بداء در مورد خداوند به معنای آشکار ساختن اموری است که قبل از آن آشکار نبوده‌اند و این مستلزم تغییر در علم ازلی خداوند نیست، بلکه آشکار ساختن چیزهایی است که بر مردم مخفی بوده‌اند.^{۱۱}

بداء از اعتقادات خاص شیعه

بین فرق اسلامی، تنها گروهی که قائل به بداء هستند و با دلایل محکم و متقنی از قرآن و سنت آن را به اثبات رسانده‌اند، شیعیان هستند. علاوه بر دانشمندان شیعی که بداء را از تمایزات این مذهب می‌دانند، علمای اهل سنت نیز معترف‌اند، بداء از مختصات امامیه است. در واقع، تنها دانشمندانی از شیعه‌ی اثنی عشریه هستند که در اثر اهتداء و اقتباس از کلمات ائمه‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) توانسته‌اند، به این حقیقت پی ببرند و این افتخار را به خود اختصاص دهند [انسان و سرنوشت: ۵۰]. بداء، نشانه‌ی تمایز مذهب تشیع دوازده امامی، هم در نظر پیروان این مذهب و هم در نظر خرده‌گیران بر ایشان بوده است [اندیشه‌های کلامی شیخ مفید: ۴۳۵].

شهرستانی، متکلم سنی مذهب، معتقدان به بداء را از غالیان شیعه می‌داند: و غالیان شیعه چهار فرقه‌اند: اهل تشبیه، اهل بداء، قائلان به رجعت و قائلان به تناسخ [ملل و نحل: ۲۳۱]. هم چنین، مختار را از بنیان‌گذاران این فرقه معرفی کرده و معتقد است: زمانی که سپاهیان او در جنگ با مصعب بن زبیر شکست خوردند و لب به اعتراض گشودند، به آن‌ها گفت: خداوند به من وعده‌ی پیروزی داده بود، اما برای او بداء پیدا شد [بداء در کلام اسلامی: ۲۰].

امام فخر رازی نیز در موضوع بداء و تقیه، شیعه را به شدت می‌کوبد و مورد سرزنش قرار می‌دهد. شیخ طوسی در «نقدالمحصل» خود کلام فخر رازی را چنین نقل می‌کند: «شیعه با تمسک به این دو موضوع می‌تواند هر مسئله‌ای را که در هر جایی قبول داشته یا هر حکمی را که در جایی گفته است، بعد از آن به استناد این که تقیه کرده‌ام یا در آن حکم بداء حاصل شده است، رد کند و سخن اول خود را پس

می شوند، سرنوشت انسان ها دگرگون گردد تا افراد بشر بدانند که افعال و اعمالشان می تواند در چگونگی و شکل گیری آینده شان مؤثر باشد.

نتیجه گیری

بداء دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. معنای لغوی آن بر خداوند متعال جایز نیست و معنای اصطلاحی آن یکی از اعتقادات خدشه ناپذیر امامیه است. طریق اثبات بداء هم نقل است و هم عقل و علاوه بر دلایل نقلی، براهین عقلی نیز مؤید آن هستند.

هر چند علمای اهل سنت به لحاظ اسمی بداء را رد کرده اند، ولی به لحاظ مفهومی معترف به آن هستند و این را می توان از احادیثی که در کتب معتبر حدیثی آن ها وجود دارد، فهمید. علاوه بر این که آن ها نیز در عمل، به تأثیر دعا، صدقه، احسان و... باور دارند. با وجود این آنان و معدودی از محققان شیعی، شبهاتی در این زمینه مطرح کرده اند که همه ی آن ها قابل حل هستند و می توان جواب های قانع کننده و متقنی به این شبهات داد.

در پایان می توان گفت: بداء یکی از الطاف الهی نسبت به انسان هاست تا بتوانند با بازنگری در کرده های خویش، آینده ی خود را متحول سازند و سرنوشت خویش را به دست خود رقم زنند.

زیرنویس

۱. برای مطالعه ی بیشتر رجوع شود به: مقدمه ی نبراس الضیاء، ص ۲۴؛ کشف الاسرار، ص ۸۸؛ المیزان، ج ۲۲، ص ۲۹۴ و ج ۲، ص ۱۶۹؛ رسائل توحیدی، ص ۱۸۵؛ مجمع البیان، ج ۱۳، ص ۸۴؛ نسخ و بداء معمای عمر و روزی، ص ۶۳.
۲. در این زمینه رجوع شود به: تفسیر کشف، ج ۳، ص ۳۴۷ تا ۳۴۹؛ المیزان، ج ۳۳، ص ۲۴۴ تا ۲۴۹.
۳. برای اطلاع بیشتر می توان به این کتاب ها مراجعه کرد: تصحیح الاعتقاد، ص ۵۰؛ المیزان، مجلدات ۱۳، ۱۱، ۱۹، ۲، ۲۲ و ۱۶ در تفسیر آیات ذکر شده؛ نسخ و بداء در قرآن، ص ۱۵۵؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۷۹؛ مقدمه

علمای اهل سنت با وجودی که به لحاظ اسمی مخالف بداء هستند، ولی در معنا و مفهوم آن را قبول دارند. چون اجابت دعا زمانی معنا می دهد که سرنوشت انسان ها حتمی و مبرم نباشد

معلق و مشروط به افعال بندگان است. امور ظاهری شبیه به واقع، و امور اختیاری جریان دارد و امور مبرم و حتمی جایگاه بداء نیستند.

فواید بداء

اولین اثر و فایده ی بداء، اقرار به قدرت نامحدود الهی است. تمام امور تحت سیطره ی او قرار دارد و به وجود آمدن هر پدیده ای منوط به خواست و مشیت اوست. اگر اراده کند، موجودی را می آفریند و اگر اراده فرماید، موجودی را نابود و نیست می کند. فواید بداء را می توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. اعتراف به این اصل مسلم که جهان آفرینش در وقوع و بقاء، زیر نفوذ علم و قدرت مطلق الهی است.

۲. با بداء تفاوت علم خالق و مخلوق مشخص می شود، زیرا علم مخلوق از آن چه علم خالق احاطه دارد، آگاه نمی شود.
۳. عقیده به بداء انسان را متوجه درگاه الهی می کند تا حاجات و نیازهای خود را از او بخواهد [بیان، ج ۲: ۱۷۷؛ نسخ و بداء در قرآن: ۱۷۷].

در نتیجه می توان گفت، مهم ترین اثر و فایده ی بداء این است که انسان ها باور داشته باشند و بدانند سرنوشتشان در دست خودشان است. گاهی مسائل مهمی هم چون آزمایش انسان ها و یا تأثیر توجه و بازگشت به سوی خدا و یا تأثیر اعمال نیک، هم چون صدقه، صلح و انفاق باعث

- نیراس الضیاء، ص ۲۴؛ دلائل الصدق، ج ۱، ص ۷۴۶؛ بیان، ج ۲، ص ۱۷۴.
۴. متن کامل احادیث در کتاب های اصول کافی (ج ۱)، بحار الانوار (ج ۴) و اسرار التوحید (ص ۳۷۶) موجود است.
۵. برای اطلاع بیشتر می توان رجوع کرد به: صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۲۱-۴۶۶ و ۴۶۷؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۹۱.
۶. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: مجموعه رسائل اعتقادی، ص ۲۶ و ۲۷؛ رسائل توحیدی، ص ۱۸۵؛ بیان، ج ۲، ص ۱۷۷ و ۱۷۸؛ اسفار، سفر سوم، ج ۲، ص ۶۹.
۷. کتاب نسخ و بدهاء در قرآن، قضا را دین و نوع تشریحی و تکوینی دانسته و هریک را به حتمی و غیر حتمی تقسیم کرده است. آن چه مورد بدهاء قرار می گیرد، قضای تکوینی غیر حتمی است.
۸. رجوع شود به: اسفار، سفر سوم، ج ۱، ص ۳۴۳ تا ۳۴۶.
۹. این شبهات و اشکالات به صورت پراکنده در کتب کلامی شیعه به چشم می خورد و از جمله ی کتاب های مذکور می توان از این کتاب ها نام برد: انسان و سرنوشت، ص ۵۰؛ حکیم استرآباد، ص ۲۱۳؛ البداء فی ضوء الكتاب و السنه، ص ۸۵ تا ۱۰۶؛ دلائل الصدق، ج ۱، ص ۷۴۷ تا ۷۴۹؛ ترجمه ی اسفار، سفر سوم، ج ۱، ص ۳۵۱ و ۳۵۸؛ مجموعه رسائل اعتقادی، ص ۲۸ و ۲۹؛ بحار، ج ۴، ص ۲۹۶؛ بیان، ج ۲، ص ۱۶۸.
۱۰. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به: نسخ و بدهاء در قرآن ص ۱۷۷-البداء فی ضوء الكتاب و السنه ص ۸۸ و دلائل الصدق، ج ۱، ص ۷۴۹.
- منابع**
۱. خمینی، روح الله. کشف الاسرار.
۲. احمدآبادی اصفهانی، محمد. حور مقصورات (ترجمه ی اعتقادات صدوق). انتشارات چاپخانه ربانی. ۱۳۳۵.
۳. ابن بابویه قمی (صدوق)، ابی جعفر. اسرار توحید. انتشارات علمیة اسلامیة.
۴. مفید، محمد بن نعمان. تصحیح الاعتقاد. منشورات الرضی. ۱۳۶۳.
۵. خویی، سید ابوالقاسم. البیان (ج ۲: ترجمه ی بیان در علوم و مسائل کلی قرآن). انتشارات ذخائر اسلامی. ۱۳۶۰.
۶. الداماد، میر محمدباقر. نیراس الضیاء و تسواء السواء. انتشارات هجرت. ۱۳۷۴.
۷. طباطبائی، سید محمدحسین. المیزان (مجلدات ۲۲، ۲، ۳۳، ۱۳، ۱۱، ۱۶ و ۱۹) انتشارات دارالعلم.
۸. طباطبائی، سید محمدحسین. رسائل توحیدی. انتشارات الزهراء. ۱۳۷۰.
۹. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن. مجمع البیان (ج ۱۳). انتشارات فراهانی. ۱۳۵۰.
۱۰. میرشفیعی، سید فضل الله. نسخ و بدهاء (معمای عمر و روزی). ناشر مؤلف. ۱۳۷۰.
۱۱. زمخشری، ابی القاسم. تفسیر الکشاف (ج ۳). انتشارات آفتاب. تهران.
۱۲. عاشوری، ناعلی. نسخ و بدهاء در قرآن. انتشارات مهر قائم. ۱۳۸۲.
۱۳. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار (ج ۴). مؤسسه ی تاریخ العربی. بیروت. ۱۴۱۲ ق.
۱۴. مظفر، شیخ محمدحسن. دلائل الصدق (ج ۱). دارالعلم الطباعة. قاهره. ۱۳۰۱.
۱۵. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب. اصول کافی (ج ۱). انتشارات اسوه. ۱۳۷۰.
۱۶. قشیری النیشابوری، مسلم بن حجاج. صحیح مسلم (ج ۱). دارالاحیاء الکتب العربیة. بیروت. ۱۳۷۴.
۱۷. احمد بن حنبل. مسند احمد (ج ۴). انتشارات دارافکر.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. مجموعه ی رسائل اعتقادی. بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. مشهد. ۱۳۶۸.
۱۹. شیرازی، صدرالدین. (ترجمه) اسفار (سفر سوم، ج ۱ و ۲). انتشارات مولی. ۱۳۷۹.
۲۰. مطهری، مرتضی. انسان و سرنوشت. انتشارات صدرا.
۲۱. موسوی بهبهانی، سید علی. حکیم استرآباد میرداماد. انتشارات اطلاعات. ۱۳۷۰.
۲۲. سبحانی، جعفر. البداء فی ضوء الكتاب و السنه. انتشارات جامعه مدرسین قم. ۱۴۰۷ ق.
۲۳. مکدر موت، مارتین. اندیشه های کلامی شیخ مفید. مؤسسه ی مطالعات اسلامی. ۱۳۶۳.
۲۴. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. توضیح الملل. ۱۳۶۲.
۲۵. زریاب، ع. بدهاء در کلام اسلامی و ملاحظاتی تازه در حل آن. سال دوم. شماره ی ۲. ص ۱۸-۳۱. ۱۳۶۶.
۲۶. طوسی، خواجه نصیرالدین. نقدالمحصل یا تلخیص المحصل. مؤسسه ی مطالعات اسلامی. ۱۳۵۹.